



افزایش روز افزون نا امنی و گسترش دامنه نقض حقوق بشر و قاچاق مواد مخدر در افغانستان، و نیز سردرگمی نیروهای غربی که به بهانه مبارزه با تروریسم وارد افغانستان شده‌اند، هر صاحب‌نظری را به این پرسش وامیدارد که آیا آمریکایی‌ها و سایر نیروهای غربی واقعاً برای مردم افغانستان صلح می‌خواهند؟ آیا آنان همچنان «سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن» را در مورد اقوام و ملیت‌های مختلف افغانستان اعمال می‌کنند؟ در حقیقت روی داده‌ها و واقعیت‌های سیاسی و نظامی جاری در افغانستان گواه این حقیقت است که نیروهای غربی در سال‌های اخیر بیشتر در جستجوی راه‌های دامن زدن به تنش‌های سیاسی و نظامی در افغانستان بوده‌اند که حملات سالانه و برنامه ریزی شده کوچی‌ها به شهرها و مناطق مسکونی امن یکی از نشانه‌های آن است. حجت الاسلام و المسلمین شیخ حیدر جعفری کاشناس مسائل حقوق در این گفت و گو اظهار عقیده کرده که تنش‌های جاری در افغانستان از جمله نقض حقوق بشر به بهانه‌های گوناگون صورت می‌گیرد تا قدرت‌های غربی منافع حیاتی‌شان را در این کشور حفظ نمایند.

بازیابی هویت شیعیان افغانستان در گفت و گو با

حجت الاسلام و المسلمین شیخ حیدر جعفری از روحانیون مبارز افغانستان

مزاری طرح حذف شیعیان افغانستان را ناکام ساخت

غربی‌ها آورده‌اند، دارند؟
مردم افغانستان به استثنای طرفداران طالبان از وضعیت موجود نسبتاً راضی هستند. شرایط استبداد و خفقان‌آوری که در زمان حکومت طالبان وجود داشت و به نام اسلام مردم را به ویژه شیعیان را سرکوب می‌کرد پایان یافته و شهروندان وضعیت کنونی را نسبت به گذشته ترجیح می‌دهند. ولی در عین حال از تهاجم فرهنگی که در پی حضور نیروهای بیگانه به وجود آمده و برخی مسائلی که بر خلاف مقدسات اسلامی رواج یافته مردم را خشمگین کرده است. زیرا مردم مسلمان افغانستان متدین هستند.

حضور نیروهای اشغالگر چه تأثیری روی اصالت و ارزش‌های مردم افغانستان داشته است؟
با توجه به اینکه مردم افغانستان مذهبی هستند و تعصب خاصی نسبت به عقاید و ارزش‌های دینی‌شان دارند، تهاجم فرهنگی غربی تأثیر چندانی ندارد. ولی خواه ناخواه اثرات منفی خود را روی برخی اقشار جامعه به ویژه روی نسل جوان بر جای می‌گذارد. در

همان پشتون‌ها هستند با نیروهای دولتی و غربی می‌جنگند. در هر خانه‌ای از این مناطق پشتون نشین دو یا سه مرد مسلح وجود دارد. نیروهای طالبان پس از درگیری به روستاها و مناطق مسکونی‌شان عقب نشینی می‌کنند. گفته شده که نیروهای طالبان پس از درگیری اسلحه‌شان را زمین می‌گذارند و لباس معمولی و سنتی به تن می‌کنند و کودکان‌شان را بغل می‌کنند یا بیل به دست می‌گیرند و از خانه خارج می‌شوند. این یکی از شگردهای نیروهای طالبان است. نیروهای غربی هم مناطق درگیری را شناسایی می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. طبیعی است که در این درگیری‌ها زنان و کودکان نیز کشته می‌شوند. یعنی زمانی که حقوق بشر نقض می‌شوند یا جنایتی بر ضد بشریت روی می‌دهد هر دو طرف درگیر به نحوی در آن مقصر هستند. هم نیروهای طالبان که افراد غیر نظامی را سپر دفاعی قرار می‌دهند مقصرند، و هم نیروهای خارجی مقصرند که مناطق مسکونی را هدف آتشبارهای خود قرار دهند و باعث کشتار غیر نظامیان می‌شوند.

گفته شده که نیروهای آمریکا یا برخی نیروهای آیساف از سلاح‌های نامتعارف با سلاح‌های ممنوعه هم استفاده می‌کنند. نظر تان چیست؟

کشور افغانستان از دوران اشغال روس‌ها تا امروز میدان تاخت و تاز کشورهای خارجی بوده است. از زمانی که پاکستان به وسیله گروهبان طالبان به افغانستان تجاوز کرد. کشورمان میدان آزمایش انواع سلاح‌ها بوده است. آن‌ها سلاح‌ها و نیروهای نظامی‌شان را در افغانستان آزمایش و تمرین می‌کردند. این کار تازه‌ای نیست.

زمانی که طالبان در افغانستان حکومت می‌کرد مردم به ستوه آمده بودند. در حال حاضر اقوام افغانستان چه دیدگاهی به این دموکراسی که

جناب‌عالی در مسائل حقوق بشر دوستانه تخصص دارید. بفرمائید پس از گذشت ۹ سال از سقوط طالبان و حضور نظامیان غربی در افغانستان مسئله حقوق بشر در کشورتان چه وضعیتی دارد و در این زمینه چه تحولی روی داده است؟

بسم الله الرحمن الرحيم: در ارتباط با مسئله حقوق بشر یا نقض حقوق بشر باید تاکید کرد که حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در همه جنگ‌های گذشته چه قبل از آمدن آمریکایی‌ها و چه در زمان استقرار آنان در افغانستان، و چه از طرف نیروهایی که با آمریکایی‌ها و ناتو درگیر هستند و چه از طرف خود آمریکایی‌ها نقض شده است. منتها بعد از سقوط طالبان یکسری آزادی‌هایی در افغانستان به وجود آمده است. مانند آزادی‌های مدنی و حقوق شهروندی و آزادی عقیده و بیان. ولی باز هم مشکلات زیادی در برابر مردم افغانستان وجود دارد. کشور به همان حالت اولیه باقی مانده و هیچ بازسازی چشمگیری صورت نگرفته است. اگر هم ساخت و سازی تحقق یافته باشد، به صورت گزینشی و در مناطق خاص بوده است. ولی در اغلب مناطق افغانستان به ویژه مناطق شیعه نشین هیچ گونه بازسازی از طرف غربی‌ها صورت نگرفته است.

هر چند مدت یکبار مناطق غیر نظامی در افغانستان توسط غربی‌ها بمباران می‌شود تا جایی که برخی مسئولان افغانستان نسبت به این حمله‌ها اعتراض کرده‌اند. آیا این یکی از نشانه‌های نقض حقوق بشر نیست؟

همانگونه که ملاحظه می‌کنید جنگ میان آمریکایی‌ها و پیمان ناتو (آیساف) و نیز نیروهای دولت افغانستان با نیروهای طالبان در مناطق گوناگون افغانستان ادامه دارد. جنگ بیشتر در مناطق شرقی و جنوبی افغانستان روی می‌دهد. نیروهای طالبان از میان قوم افغان که

زمانی حقوق بشر در افغانستان:
نقض می‌شوند که طرفین درگیر به نحوی در آن مقصر هستند.
نیروهای طالبان که افراد غیر نظامی را سپر دفاعی قرار می‌دهند مقصرند، و هم نیروهای خارجی مقصرند که مناطق مسکونی را هدف آتشبارهای خود قرار دهند و باعث کشتار غیر نظامیان می‌شوند.
طبیعی است که در این درگیری‌ها زنان و کودکان بیگانه نیز به قتل می‌رسند.



حکومت خودکامه عبد الرحمن که حدود ۶۰ درصد از جمعیت شیعیان هزاره را قتل عام کرد، هزاران تن از شیعیان نیز آواره شده و به کشورهای ایران، پاکستان و برخی نواحی ترکمنستان کوچ کردند. عبد الرحمن کوچی ها را بر بازماندگان شیعه مسلط کرد تا در آینده نتوانند در برابر دولت قد علم کنند یا متحد شوند. دولت هایی که متعاقباً در افغانستان روی کار آمدند از کوچی ها به عنوان اهرم فشار بر ضد شیعیان استفاده کردند. اولین کسی که این کوچی ها را بر شیعیان مسلط کرد عبد الرحمن پادشاه مستبد وقت افغانستان بود که املاک و زمین های کشاورزی شان را مصادره و به کوچی ها واگذار کرد. عبد الرحمن به این اقدامات اکتفا ننموده و برای کوچی ها فرمان صادر کرد تا سایر مناطق و سرزمین های شیعیان را تصاحب کنند. لذا از صد سال پیش تاکنون کوچی ها به مناطق شیعه نشین یورش می آوردند و اموال و ثروت های آنان را غارت می کردند.

به طور مثال در فصل تابستان می آمدند و همه محصولات کشاورزی و دامی شیعیان را غارت می کردند. از زمان حکومت کمونیستی و زمان حکومت گروه های جهادی که شیعیان مسلح بوده اند، کوچی ها قدرت یورش به مناطق شیعه نشین را نداشتند. ولی در سایه حکومت حامد کرزایی که اغلب اعضای این حکومت از قوم پشتون تشکیل شده کوچی ها دوباره توان یافته و یورش به مناطق شیعه نشین را آغاز کرده اند. همه نیروهای مداخله گر در امور افغانستان چه شرقی و چه غربی و چه مسلمان و چه کافر از کوچی ها حمایت می کنند تا از توانمندی شیعیان در این کشور جلوگیری به عمل آورند. کوچی ها همواره

مجاهدان افغانی حدود ۲۰ سال مبارزه کردند. شیعیان هزاره هم با روس ها و کمونیست های دست نشانده آنها نیز در این مبارزه شرکت فعال داشتند. در پی این مبارزه خستگی ناپذیر و خروج شوروی از افغانستان مذهب تشیع و هویت دینی مردم هزاره برسمیت شناخته نشد. در آن سه سالی که شهید مزاری در غرب کابل حضور داشت برای احقاق حقوق شیعیان مقاومت کرد، این سه سال به اندازه بیست سال برای شیعیان اهمیت داشت. مقاومت سه ساله شیعیان در غرب کابل به رهبری شهید مزاری به همه اقوام و طوایف افغانستان به ویژه به آقای برهان الدین ربانی ثابت کرد که هیچ کس نمی تواند حضور شیعیان را در صحنه سیاسی، و هویت مردم هزاره را حذف کند. لذا یکی از خواسته های شهید مزاری که تحقق یافت شناسایی مذهب شیعه بود. این یکی از دستاوردهای مبارزه و خون شهید مزاری بوده است.

یکی از مشکلاتی که شیعیان در حال حاضر با آن مواجه هستند مشکل کوچی هاست. این کوچی ها چه کسانی هستند و چرا شیعیان را مورد آزار و اذیت قرار می دهند؟

این کوچی ها پیشینه صد ساله دارند. در زمان

مقابل روحانیون و علمای متعهد به وظایف شان علیه تهاجم فرهنگی غرب ادامه می دهند.

شهید مزاری برای دستیابی به حقوق جامعه هزاره تلاش های فراوانی به عمل آورد. این تلاش ها چه دستاوردی داشته است؟ وضعیت اجتماعی و حقوقی مردم هزاره چگونه است؟

مردم هزاره که همان شیعیان افغانستان هستند که در حال حاضر جایگاه نسبتاً خوبی یافته اند. ولی صد در صد به حقوق شان دسترسی پیدا نکرده اند. نمایندگان مردم هزاره در دولت حضور نسبی دارند و برای احقاق حقوق شیعیان تلاش به عمل می آورند.

در مقایسه با زمان حکومت برهان الدین ربانی که حکومت مجاهدین بود بهتر شده است؟

آری. وضعیت شیعیان در شرایط فعلی و در مقایسه با حکومت های پیشین صد در صد بهتر شده است. چون در زمان حکومت آقای ربانی یکی از خواسته های شهید مزاری این بود که اگر حکومت ربانی مذهب تشیع را برسمیت بشناسد، ما به دولت او می پیوندیم. در آن موقع شهید مزاری خواسته های شیعیان را در قالب برسمیت شناختن مذهب شیعه خلاصه کرده بود. این خواسته ها را به برهان الدین ربانی رئیس جمهوری و گلب الدین حکمتیار نخست وزیر و به احمد شاه مسعود منتقل کرد. شهید مزاری فرستادگانی را به طرف اشخاص مزبور اعزام کرد تا درباره خواسته های شیعیان و شناسایی مذهب شیعه مذاکره کنند. به طور مثال آیت الله محقق کابلی را نزد حکمتیار فرستاد. آیت الله سید ابو الحسن فاضل را نزد آقای ربانی اعزام کرد تا رئیس جمهوری و نخست وزیر وقت را به شناسایی حقوق مسلم شیعیان متقاعد کنند. در پی این مذاکرات آقای حکمتیار رسماً سند برسمیت شناختن مذهب شیعه را امضا کرد ولی آقایان ربانی و مسعود گفتند که ما این ننگ را برای مذهب حنفی در تاریخ اهل سنت افغانستان نمی پذیریم. لذا قانون اساسی که در زمان برهان الدین ربانی وضع شد خیلی استبدادی و غیر دموکراتیک بود.

مبارزات شهید مزاری چه دستاوردی برای شیعیان هزاره و سایر مردم افغانستان داشت؟

تا زمان سقوط دولت کمونیستی در افغانستان

- متأسفانه به علت دخالت برخی عوامل خارجی چه در گذشته و چه در حال حاضر اختلافات از دیرباز میان سایر اقوام و احزاب سیاسی افغانستان وجود داشته است.
- خود خواهی و تنگ نظری برخی از رهبران به این اختلافات دامن می زند. تا جایی که به شهادت رهبر شهید عبد العلی مزاری منجر شد.
- البته اختلافات بین رهبران جامعه هزاره جدی نیست. در برابر یورش کوچی ها یکپارچه و متحد هستند.



شهید مزاری خواسته‌های شیعیان را در قالب برسمیت شناختن مذهب شیعه خلاصه کرده بود. این خواسته‌ها را به آقایان برهان الدین ربانی رئیس جمهوری و گلب الدین حکمتیار نخست وزیر و به احمد شاه مسعود منتقل کرد. حکمتیار سند برسمیت شناختن مذهب شیعه را امضا کرد ولی ربانی و مسعود گفتند که ما این ننگ را در تاریخ افغانستان نمی‌پذیریم.

به امضا رساندند. به موجب این معاهده قرار بود این منطقه پس از گذشت پنجاه سال به حاکمیت افغانستان مسترد گردد. دخالت پاکستان در افغانستان به خاطر همین قضیه است. پاکستانی‌ها همواره آرزو دارند این منطقه را در حاکمیت خودشان نگه دارند. اکنون مدت موافقتنامه پنجاه ساله پایان یافته است. گفته شده زمانی که دولت برهان الدین ربانی سقوط کرد و طالبان با کمک پاکستان وارد کابل شد، نجیب الله آخرین رئیس جمهوری دولت کمونیستی هنوز در دفتر سازمان ملل متحد در کابل زندانی بود. طالبان نجیب الله را از زندان بیرون آورد و تحویل دولت پاکستان داد. مقام‌های پاکستانی از نجیب الله خواستند موافقتنامه خط دیورند را دوباره برای مدت پنجاه سال دیگر تمدید کند ولی نجیب الله با وجودی که زندانی بود و با مرگ حتمی مواجه بود نخواست به کشورش خیانت کند و پاکستانی‌ها سرانجام او را به قتل رساندند.

آیا می‌توانید درباره خط دیورند توضیح دهید؟
دیورند نام یکی از کارگزاران دفتر مستعمرات انگلیس در هند شرقی بوده است. زمانی که انگلیسی‌ها می‌خواستند جغرافیای سرزمین‌های منطقه را ترسیم کنند برای ترسیم خطوط مرزی بین هند و افغانستان آقای دیورند را انتخاب کردند و خط مرزی دو کشور واقع بین جلال آباد و پشاور به همین نام شناخته شده است. در آن زمان پاکستان هنوز از شبه قاره هند جدا نشده بود.

به نظر می‌رسد که اختلافات دو کشور فراتر از دعوا بر سر یک منطقه مرزی است. از زمانی که افغانستان به اشغال روسیه درآمد پاکستان با تمام توان در کشورتان دخالت می‌کند؟

البته پاکستان از پذیرایی هزاران آواره افغانی و استقرار گروه‌های جهادی اهل سنت افغانی در آن کشور سودهای کلانی به دست آورد. کمک‌های مالی دولت‌های غربی و عربی از طریق دولت پاکستان تقدیم گروه‌های جهادی می‌شد. پاکستان هم سهمی در این کمک‌ها داشت. بنابراین یکی از اهداف دخالت پاکستان در افغانستان همان منطقه دیورند است و اهداف دیگر در مراتب بعدی قرار می‌گیرد. از جمله استقرار حکومت طرفدار منافع اسلام آباد در کابل. ■

به علت اینکه نزدیک مناطق شیعه نشین سکونت دارند عمدتاً به این مناطق حمله می‌کنند. در سال‌های گذشته به مناطقی که اکثریت جمعیت آن را تاجیک‌ها و ازبک‌ها تشکیل می‌دهند حمله می‌کردند. ولی با واکنش شدید آن‌ها مواجه می‌شدند و کوچی‌ها سرکوب می‌شدند. ولی شیعیان که در دوران حکومت طالبان خلع سلاح شده بودند و اکنون هیچ اسلحه‌ای در اختیار ندارند تسوان رویارویی جدی با حملات کوچی‌ها را ندارند.

شکی نیست که گروه طالبان و پشتون‌های افغانستان و پاکستان هم از این کوچی‌ها پشتیبانی می‌کنند. اصلاً کوچی یک جریان تعریف نشده است و تعدادشان هم مشخص نمی‌باشد. امروزه دولت افغانستان نمی‌تواند این گروه‌های مهاجر را در یک منطقه خاصی اسکان دهد تا این معادله را حل کند. اگر هم به این گروه‌ها پناه دهد باز هم تمام شدنی نیستند. فرآ از آن طرف مرز پاکستان به درون افغانستان کوچ می‌کنند. زیرا در پاکستان حدود ۳۰ میلیون پشتون سکونت دارند. کوچی‌هایی که در حال حاضر در افغانستان سکونت دارند هویت و شناسنامه ندارند. میان مرز دو کشور در حال رفت و آمد هستند و هرگاه امکان دارد به سمت افغانستان سرازیر شوند و حملات‌شان را از سر گیرند.

شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌هایش گفته بود که بعد از پیروزی مجاهدین و سقوط حکومت نجیب الله، شیعیان مسلح هستند و توانمند شده‌اند. سرنوشت این سلاح‌ها چه بوده و چرا شیعیان نمی‌خواهند دوباره مسلح بشوند تا از خودشان دفاع کنند؟

شیعیان در دوران جهاد و در دوران حیات شهید مزاری و حزب وحدت مسلح بودند. در غرب کابل و در منطقه بامیان انواع سلاح‌های سنگین در اختیار داشتند. موشک‌های دوربرد از جمله موشک اسکاد در اختیار داشتند. ولی پس از حاکمیت یافتن طالبان همه این سلاح‌ها را ریورند. طالبانی‌ها خانه به خانه سلاح‌ها را جمع‌آوری کردند.

پاکستان یکی از کشورهایی است که در زمان اشغال افغانستان به گروه‌های جهادی کمک می‌کرده است. این کشور در حال حاضر چه نقشی در کشورتان دارد؟

هدف اصلی پاکستان از دخالت در افغانستان به ده‌ها سال پیش باز می‌گردد. بین دو کشور اختلافات ارضی وجود دارد و به همین علت چند بار جنگ روی داده است این جنگ‌ها و اختلافات بر سه منطقه‌ای است که به نام «خط دیورند» معروف است. پاکستان و افغانستان بر سر مالکیت این منطقه با یکدیگر نزاع دارند. دو کشور نیم قرن پیش اختلافات بر سر این منطقه را حل کردند و موافقتنامه‌ای را

اهرم فشاری بر ضد شیعیان بوده و هستند. این یک پروژه و ظلم و ستم تاریخی است.

گفتید که حکومت فعلی و نیروهای غربی هم از کوچی‌ها حمایت می‌کنند؟

آری. برخی جریانات داخلی و برخی دولتمردان فعلی از گروه طالبان و از کوچی‌ها پشتیبانی می‌کنند. نمایندگان شیعه در پارلمان و سایر مسئولان شیعه چه نقشی در جلوگیری از حملات کوچی‌ها ایفا می‌کنند؟

در پی حمله‌های دو سال پیش کوچی‌ها به مناطق شیعه نشین و کشتار و قتل عام و غارت این مناطق، رهبران هزاره در برابر این جنایت‌ها موضوع گیری کردند. بخصوص که استاد محمد محقق برای توقف این تجاوزگری‌ها به اعتصاب غذا دست زد و این اعتصاب حدود هشت روز ادامه یافت تا اینکه دولت کرزای اقداماتی را برای توقف حمله‌های کوچی‌ها به عمل آورد. ایشان تهدید کرد اگر دولت مانع تجاوزگری‌های گروه‌های کوچی نشود امکان دارد شیعیان تصمیم قاطعی اتخاذ نمایند. اعتصاب غذای آقای محمد محقق اولین گام بود. اما برخی از رهبران احزاب شیعی و واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان ندادند.

شما گمان نمی‌کنید یکی از مشکلاتی که جامعه شیعه افغانستان را تهدید می‌کند دو دستگی رهبران شیعه است که دشمنان را گستاخ می‌کنند؟

البته این اختلافات از دیرباز میان سایر مردم وجود داشته است. خود خواهی و تنگ نظری برخی از رهبران اقوام افغانستان و نیز برخی از رهبران شیعه به این اختلافات دامن می‌زند. ولی میزان این اختلافات میان شهروندان عادی کمتر است و در سطحی نیست که به منافع عامه مردم آسیب برساند. اما متأسفانه به علت دخالت برخی عوامل خارجی چه در گذشته و چه در حال حاضر این اختلافات در جامعه شیعه عمیق‌تر گشته است. تا جایی که به شهادت رهبر شهید عبد العلی مزاری منجر شد. البته اختلافات بین رهبران جامعه هزاره جدی نیست. در برابر یورش کوچی‌ها یکپارچه و متحد هستند.

کوچی‌ها فقط به مناطق شیعه نشین حمله می‌کنند یا به عنوان اهرم فشار به اقوام تاجیک و ازبک هم حمله می‌کنند؟

